

خبر

جانشین رئیس بنیاد حفظ آثار

و نشر ارزش‌های دفاع‌مقدس:

کتاب‌های حوزه دفاع مقدس باید جریان‌ساز باشند

جانشین رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع‌مقدس از داوری بیش از ۴هزار کتاب در بیستمین «جشنواره انتخاب بهترین کتاب سال دفاع‌مقدس» خبر داد. امیر سهرابی با اشاره به شعار امسال این جشنواره که «معرفت‌افزایی و مقابله با تحریف» است، گفت: «نقش بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع‌مقدس باید در حوزه معرفت‌افزایی و مقابله با تحریف پر رنگ باشد.»

او در ادامه با بیان اینکه داوری و قضاوت تا ۵هزار کتاب حوزه دفاع‌مقدس کار بسیار سختی است، افزود: «زمانی فرهنگ ارزشمند دفاع‌مقدس در جامعه ترویج و توسعه پیدا می‌کند که کتاب‌های نوشته‌شده در این حوزه به‌تبدیل به فیلم‌نامه شوند.» سهرابی اشاره کرد: «امروز کتاب همچنان بعد از صدا و هزاران‌سال اثر و نقش خود را در شکل‌گیری فرهنگ مردم حفظ کرده است. اگرچه بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع‌مقدس در راستای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت فعالیت در حوزه‌های مختلفی مثل حوزه‌های فناوری، فرهنگی و سینمایی را دنبال می‌کند، اما به‌حوزه کتاب‌سا توجه به‌نقش بی‌بدلی‌ک‌ه در ترویج فرهنگ دفاع‌مقدس ایفا می‌کند، نگاه ویژه‌ای دارد.» این مسئول فرهنگی معتقد است، برای حفظ ارزش‌های دفاع‌مقدس باید از کتاب‌هایی حمایت‌شود که جنگ را به‌درستی و بدون تحریف روایت کند و بتواند دستمایه‌ی ساخت یک فیلم باشد. او در پایان افزود: «امروز جای خالی کتاب‌هایی که تبدیل به فیلم‌نامه‌شود در حوزه فرهنگی ما به‌شدت احساس می‌شود.»

خبر

طراحی و راه‌اندازی نخستین خانه موزه ایثار و شهادت

مدیرعامل شرکت توسعه فضاهای فرهنگی شهرداری تهران در خصوص طراحی و راه‌اندازی نخستین خانه ایثار و شهادت با نام شهیدان صابری گفت: «در این راستا کار گروه مشترکی بین شرکت توسعه فضاهای فرهنگی و شهرداری منطقه ۸ تشکیل شده است تاان‌شاهلله در جهت توسعه خرده فضاهای فرهنگی مبتنی بر الگوی اسلامی- ایرانی اقدامات سازنده‌ای در این منطقه شکل گیرد.» محمد مویدی افزود: «اماکن مذهبی و دینی از جمله فضاهای عمومی الهام‌بخشی و تأثیرگذار معنوی محسوب می‌شوند. از آنجا که این فضاها مجموعه ارزش‌های فرهنگی‌ای همچون آیین و سنت‌های الهی، عادات پسندیده و خاطرات جمعی را در شهر حفظ و بسط می‌دهند، توجه به چگونگی نگهداری، توسعه و بهره‌برداری مطلوب از آنها به‌طور جدی حائز اهمیت است. لذا توجه به این موضوع زمینه تقویت تعاملات فرهنگی را به‌وجود خواهد آورد.»

بنابر گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل شرکت توسعه فضاهای فرهنگی شهرداری تهران، مویدی با اشاره به کمک‌های شهرداری منطقه ۸ که قرار است موزه در این منطقه ساخته‌شود، گفت: «مقرر شد طی کارگروه فرهنگی مشترکی موضوعاتی چون ساماندهی مقبره شهدای غواص، ایجاد خانه ایثار و شهادت، نهاد و جدت ادیان الهی و دیگر موارد مورد بررسی قرار گرفته و با تعاملی مشترک اقدامات سازنده‌ای صورت پذیرد.»

معرفی کتاب

ماجرای خبرنگار و مادر شهید

کتاب «به قطار نرسیدم» نوشته نیلوفر کاظمی، نویسنده و مترجم زبان و ادبیات آلمانی است که در ۱۳۸صفحه با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه در پاییز سال ۱۳۹۹ توسط نشر سرو به چاپ رسیده است. این کتاب داستان خبرنگاری به نام نگار را روایت می‌کند که

برای تهیه گزارش از جشنواره گل نرگس به خوزستان می‌رود. او در نخستین شبش اقدامش در اهواز مهمان بانو سالمندی می‌شود که بعد از گذشت ۳۰سال هنوز چشم انتظار آمدن پسرش از جنگ است. پیرزن هر شب برای پسر جانشن جشن دامادی می‌گیرد و با کیوت‌ها یزله می‌رقصد. نگار که تا پیش از این علاقه‌ای به تهیه خبر درباره جنگ نداشته ناخواسته درگیر زندگی بانوی سالمند می‌شود. دیدن لحظه لحظه زندگی و شنیدن داستان‌هایشان از جنگ، قلم نگار را برای نگارش بهترین گزارش دوران خبرنگاری‌اش آماده می‌کند؛ گزارشی از مردمانی که هنوز بعد از گذشت سال‌ها با تبعات شوم جنگ دست و پنجه نرم می‌کنند.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «چه قربت عجیبی است میان اهواز و ننه غلام بانوی سالخورده اهوازی که پیشینه‌ای شگرف پشت سر دارد. زخم‌ها برداشته، در‌ها کشیده، رنج‌ها دیده، اما هنوز سراپا است. لیخندش گرچه بی‌ررق، اما هنوز گرم و گیراست. ایران عادل را کسبی به نام نمی‌شناسد. مثل همه مادران این سرزمین، هویتشان با فرزندان‌شان معنا پیدا می‌کند. غلام‌رضا تمام زندگی و هویت ننه غلام بود پسری که رفت تا هویت کشورش زنده بماند.»



طلافروشی که از جان و مالش گذشت

یادی از شهید «ناصر قدیانی» در چهلمین سالگرد شهادتش به روایت خانواده

در این دنیای فانی، میان این همه دل‌بستگی‌ها و وابستگی‌ها، گذشتن از مال و جان برای وطن و هموطن، کار هر کسی نیست؛ اما او گرچه فقط ۲۶بهار از عمرش را تجربه کرده بود، چشم‌بست بر در آمد و سرما به‌اش، کر کره مغازه طلافروشی را پایین کشیدو راهی جبهه شد تا در جنگ نابرابر عراق علیه ایران، مردانه ایستادگی کند. خوب هم ایستاد و در عملیات بیت‌المقدس، با تنی مجروح برای فتح خرمشهر جنگید. شهید ناصر قدیانی با همان تن زخمی دوباره راهی جبهه شد و در عملیات سخت و جانکاه و رمضان به شهادت رسید. اما شهادت پایان ایثار ناصر نبود و او با وصیت‌نامه متفاوتش، برای وطن سنگ تمام گذاشت؛ «همه دارایی‌هایم را جمع کنید و مغازه‌ام را بفروشید و پس از دادن خمس و زکات، الباقی را به حساب دولت واریز کنید.» اینگونه‌اند مردان این سرزمین! حالا ۴۰سال از هفتم مرداد ۱۳۶۱می‌گذرد و به مناسبت سالروز شهادت‌تش همراه خانواده قدیانی خاطرات ناصر را مرور می‌کنیم.

دل‌تنگی ناصر و گریه برای شهدای کربلا متولد پاییز بود؛ ۲۰آذر ۱۳۳۵در روستای کلنجین از توابع آبکرم فروین، اما خیلی زود به تهران آمدند و ناصر تحصیلات ابتدایی خود را در همین شهر گذراند. سرگرم دوران متوسطه بود که درس و مشق را به نفع کار ساعت‌فروشی و ساعت‌سازی پیچاند. شاید اشتغال به همین حرفه بود که سبب شد ناصر پیش از پیش مراقب مرور زمان باشد.وقتی صحبت از ناصر می‌شود حاجیه خاتم رحیمه قدیانی، مادر شهید چشمانش پر از اشک می‌شود، بغض می‌کند و دوباره دل‌تنگی سراغش می‌آیدومی‌گوید: «شاید فکر کنید چون مادر هستم از پسر شهیدم اینطور تعریف می‌کنم، اما واقعا ناصر برای خانواده‌ام مثل گنج بود.چون آن روزهایی که کنارم بود باعث افتخار بود و چه آن روزهایی که برای همیشه رفت،با شهادتش،سر بلندمان کرد.همیشه به روحیاتش غبطه می‌خورم. ناصر در وصیت‌نامه‌اش خطاب به من نوشته بود مادرم خسوندی من ریشه در

آنکس که تو را شناخت جان را چه کند حاج آقا جعفر قدیانی، پدر شهید حرف برای گفتن از ناصر زیاد دارد، اما کپه‌لث سن، غبار فراموشی روی خاطرات مشترک‌شان کشیده، با این حال از روزهای بودن کنار ناصر این چنین می‌گوید: «پسر خلاق و با پشتکاری بود.فکر اقتصادی داشت و خوب می‌دانست چطور حلال و قانونی سرمایه و درآمدش را بیشتر کند. مدتی مغازه ساعت‌فروشی داشت و بعد طلافروشی باز کرد. در آمد خوبی هم داشت. با درایتش توانسته بود در صنعت طلاسازی برای خود نامی دست و پا کند ولی با وجود این موفقیت اقتصادی، حواشش بود که



طلافروشی که از جان و مالش گذشت

اسیر زرق و برق دنیا نشود. من و مادرش هم به فکر داماد کردنش بودیم که جنگ شروع شد و فکر رفتن به جبهه به سرش افتاد.»
جنگ ناچوانمردهانه شروع شد و ناصر میان آرامش در کسب‌وکار پر در آمدش یا رفتن به جبهه و روز‌های پر آتش و خون، انتخاب سختی کرد. البته برای اغلب ما انتخاب سختی بود؛برای او که چشماندشتی به مال دنیا نداشت بهترین و زیباترین انتخاب بود. جان عزیزش کم بود و خواستش برای میهنش تمام دارایی‌اش را فدا کند. همین شد که چند روز قبل از شهادتش به خانواده وصیت کرد: «همه دارایی‌هایم را جمع کنید و مغازه‌ام را بفروشید و پس از دادن خمس و زکات، الباقی را به حساب دولت واریز کنید.» اینگونه‌اند مردان این سرزمین! حالا ۴۰سال از هفتم مرداد ۱۳۶۱می‌گذرد و به مناسبت سالروز شهادت‌تش همراه خانواده قدیانی خاطرات ناصر را مرور می‌کنیم.

صبر تودار و همان توصیه همیشگی همه رزمندگان به همه مادران شهیدا که اگر می‌خواهید بر ما گریه کنید، فقط برای حسین(ع) گریه کنید. از این‌رو هر وقت دل‌تنگ من‌صرم می‌شوم، به یاد شهدای کربلااشک می‌ریزم و عزاداری می‌کنم.»

آنکس که تو را شناخت جان را چه کند حاج آقا جعفر قدیانی، پدر شهید حرف برای گفتن از ناصر زیاد دارد، اما کپه‌لث سن، غبار فراموشی روی خاطرات مشترک‌شان کشیده، با این حال از روزهای بودن کنار ناصر این چنین می‌گوید: «پسر خلاق و با پشتکاری بود.فکر اقتصادی داشت و خوب می‌دانست چطور حلال و قانونی سرمایه و درآمدش را بیشتر کند. مدتی مغازه ساعت‌فروشی داشت و بعد طلافروشی باز کرد. در آمد خوبی هم داشت. با درایتش توانسته بود در صنعت طلاسازی برای خود نامی دست و پا کند ولی با وجود این موفقیت اقتصادی، حواشش بود که

صبر تودار و همان توصیه همیشگی همه رزمندگان به همه مادران شهیدا که اگر می‌خواهید بر ما گریه کنید، فقط برای حسین(ع) گریه کنید. از این‌رو هر وقت دل‌تنگ من‌صرم می‌شوم، به یاد شهدای کربلااشک می‌ریزم و عزاداری می‌کنم.»

صبر تودار و همان توصیه همیشگی همه رزمندگان به همه مادران شهیدا که اگر می‌خواهید بر ما گریه کنید، فقط برای حسین(ع) گریه کنید. از این‌رو هر وقت دل‌تنگ من‌صرم می‌شوم، به یاد شهدای کربلااشک می‌ریزم و عزاداری می‌کنم.»

برادر شهید: برای نسل جدید، خلاقانه از شهدا بگیریم
برادران شهید قدیانی اینک در حوزه نشر، چاپخانه و کتابفروشی در کشور شناخته شده‌اند. یکی از آنها نادر قدیانی است که خاطرات زیادی از رفیق شفیق خودش به یاد دارد و می‌گوید: «من و ناصر فقط برادر نبودیم، رفیق هم بودیم. اما من جا ماندم و او رفت...» او که خود مدیر یکی از قدیمی‌ترین و موفق‌ترین انتشارات کشور است درباره ضرورت گرامیداشت یاد و خاطره شهدا می‌گوید: «نباید فراموش کنیم که چه کسانی در سخت‌ترین روزهای سرزمین، جان و مال خود را فدا کرده و بی‌ادعا رفتند. شاید کمتر از حضور صنف طلافروشان در جبهه صحبت به میان آمده باشد اما حقیقت این است که جنگ، پیر و جوان، کارگر یا کارفرما نمی‌شناخت. هر کسی بزرگ باغی می‌بزیگی، باز باید خود را در برابر ذات اقدس خداوند، ذلیل و زبون بخوانی.» او ادامه می‌دهد: «بعد از رفتن این شهیدا، برماست که فرهنگ ایثار را در جامعه و به‌ویژه نسل جدید ترویج بدهیم. البته برای این کار باید ابتکار و خلاقیت داشته باشیم. چون نسل امروز به لحاظ سلیقه و دیدگاه دارای هوشمندی‌های خاصی هستند.»

گزارش

نگاهی به عملیات مرصاد که نقشه فتح تهران را در همان ساعات اولیه نقش برآب کرد
«از مهران تا تهران!» خیال خام منافقان
شروع عملیات ایران: ۵ مردادماه سال ۱۳۶۷
رمز عملیات: (ع)
توان دشمن: ۵ هزار و ۲۰۰ نفر نیروی رزمنده و ۷هزار نفر نیروی در صحنه
تعداد شهدا: ۳۰۴ تن از رزمندگان ایرانی
محور عملیات: حدفاصل جاده باختران (کرمانشاه) به اسلام‌آبادغرب از تنگه چهارزیر تااسلام‌آباد غرب و قصر شیرین با همکاری نیروی زمینی سپاه همراه با هوانپروز و نیروی هوایی ارتش.
نتیجه عملیات: منافقان در محور غرب کشور، در منطقه قصر شیرین، سرپل ذهاب و ۳۰کیلومتری کرمانشاه با نیروهای ایران مواجه شدند. رزمندگان با دفع حمله به غرب کرمانشاه و همچنین عقب راندن دشمن از خاک ایران اسلامی، تلفات سنگینی را به آنها وارد کردند. شهید صیاد شیرازی با همراهی بالگردهای هوانپروز کرمانشاه این عملیات را به یک شکست جاویدان برای دشمنان ایران اسلامی تبدیل کرد.
و زخمی، ۲۵۰ اسیر، انهدام ۹۲دستگاه تانک و نفربر، انهدام ۶۱۲ دستگاه خودرو و ۵۱ تفنگ ۱۰۶ میلیمتری رزمندگان اسلام موفق شدند ده‌ها دستگاه تانک و نفربر، ده‌ها دستگاه خودرو، ۱۰۰۰ قیضه آر.بی. و ۷۰۰ قیضه تیربار کلاشکف و تعدادی تجهیزات پیشرفته الکترونیکی و مخابراتی را به غنیمت بگیرند.

ایتارومقاومت

یادداشت

شهره کیانوش‌راه: روزنامه‌نگار

گفته‌ها و ناگفته‌های فرماندهان

نگاهی به کتاب «قتبی بر درس‌ها و دستاوردهای جنگ»



جنگ تحمیلی ۸ساله به‌دلیل رشادات، ایثار، از خودگذشتگی و مقاومت مردم و رزمندگان با نام دفاع مقدس در تاریخ کشورمان ثبت شده‌است. تبیین و حفظ و انتقال این میراث از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. محمد درویدیان، در کتاب «قتبی بر درس‌ها و دستاوردهای جنگ» سراغ فرماندهان و مسئولانی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی رفته و با طرح سؤالاتی از آنها خواسته تا تجربیات خود را ۸سال دفاع‌مقدس را بیان کنند. این کتاب در ۳فصل نوشته‌شده است؛ فصل اول شامل ۱۱گفت‌وگو با فرماندهان سپاه پاسداران و فصل دوم شامل ۷گفت‌وگو با فرماندهان ارتش است. درویدیان در فصل سوم با ۶چهره و شخصیت غیرنظامی نیز گفت‌وگو کرده‌است. نویسنده در مقدمه کتاب آورده‌است: «تلاش بنده برای تحقیق و نگارش درباره درس‌ها و دستاوردهای جنگ ایران و عراق حاصل پیشنهاد سردار نائینی، رئیس محترم مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به‌مناسبت سی‌امین سالگرد پایان جنگ در سال ۱۳۹۷بود. پس از بررسی‌های اولیه این توافق حاصل شدد که موضوع از طریق گفت‌وگو با مسئولان و فرماندهان جنگ در ۴حوزه نظامی، امنیتی، سیاست خارجی و تبلیغات پیگیری شود. در همین چارچوب پرسش‌های اولیه و فهرست افراد برای گفت‌وگو تهیه شد.»

تجربه دفاع

به‌گفته درویدیان، گفت‌وگوها در این کتاب بر پایه این فرض طراحی و پیگیری شده که مهم‌ترین نتیجه تجربه دفاع، در برابر تجاوز عراق، شکل‌گیری شالوده‌های تفکر سیاسی، نظامی و امنیتی در ساختار سیاسی و جامعه ایران است. او در ادامه آورده‌است: «هم‌اکنون بخشی از مجادلات گفت‌مآی با کشتن - و آکشتن‌های سیاسی، اجتماعی و امنیتی و چشم‌انداز آینده در اینه تجربیات گذشته، با نظر به نتایج تجربه جنگ با عراق صورت‌بندی می‌شود. بنابراین ضرورت توجه به استفاده از تجربه جنگ با عراق برای مدیریت چالش‌های کنونی به‌عنوان یک مسئله اساسی، راهنمایی بحث و گفت‌وگو با فرماندهان و مسئولان جنگ قرار گرفت. بر همین اساس، نسبت میان تجربه جنگ با عراق و چگونگی استفاده از گذشته، برای پاسخ به نیازهای حال و آینده به‌عنوان هدف اصلی در گفت‌وگوها، منطق و چارچوب، همچنین روش پرسش‌ها و مهم‌تر از آن انتخاب افراد را شکل داد.»

از نگاه نویسنده، تاکید بر مفهوم «درس‌ها و دستاوردهای جنگ» در گفت‌وگو با فرماندهان و مسئولان جنگ بر پایه این فرض انجام شد که هم‌اکنون عراق‌اند‌های سیاسی و نظامی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران تاریخ‌مند شده‌است. به این معنا که مسئله وقوع، ادامه و پایان جنگ در یک دوره زمانی در مکان‌های مختلف در ابعاد متفاوت واقع‌شده و همچنان آثار آن بر جای مانده است و پیامدهای آن جریان دارد. به همین دلیل اینگونه هدف‌گذاری و طراحی شد که برخی از موضوعات اساسی جنگ در چهارچوب پرسش‌های سیاسی - اقتصادی و نظامی - امنیتی به بحث گذاشته‌شود تا برخی نتایج آن برای مواجهه با موارد مشابه در آینده قابل بهره‌برداری باشد. در مصاحبه با فرماندهان، مصاحبه‌شونده‌ها به پرسش‌هایی همچون مهم‌ترین درس‌ها و دستاوردهای دفاع مقدس، الزامات جنگ درسی و همه‌جانبه، ظرفیت‌های مختلف نظامی از جمله تجهیزات و سازمان‌های مختلف نظامی، چگونگی مقاومت در جنگ طولانی در برابر دشمن، ضرورت جلوگیری از تشکیل جبهه ائتلافی به سود دشمن بزرگ باغی و تقابل روش ائتلاف سیاسی برای سپردن اهداف تعیین منافع، استفاده از ظرفیت دیپلماسی، میزان تخصیص منابع برای جنگ و... پاسخ داده‌اند.

این کتاب در ۲۷صفحه و توسط انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع‌مقدس به چاپ رسیده است و در آن گفت‌وگوهایی با سردار پاسدار محسن رضایی، امیر درباران علی شمشانی، محسن رفیق دوست، عبدالمحمد روفی، امیر سرلشکر حسین حسنی سعدی، امیر سرتیپ‌دوم مسعود یخبختری، امیر درباراد حبیب‌الله ستاری و دیگر فرماندهان سپاه و ارتش را بخوانید. در فصل سوم نیز صحبت‌های شخصیت‌های غیرنظامی همچون عباس ملکی، علی خرم، سعیدکاظم سجادپور، اکبر ترکان و... گردآوری شده است.

دفاع مقدس؛ تابلویی از انواع زیبایی‌ها
بخشی از این کتاب به گفت‌وگو با سردار سرلشکر پاسدار مصطفی ایزدی، اختصاص دارد: «من معتمد کلیت دفاع‌مقدس همچون تابلویی مشحون از انواع زیبایی‌هاست. شما صحنه‌هایی را که در دفاع‌مقدس رخ می‌داد شاهد بوده‌اید؛ برای مثال رویارویی یک دسته در مقابل یک لشکر.

در خط کارخانه نمک، ارتش یعنی با تمام توان آمد و باعث شد نیروی ما به کمتر از یک دسته تحلیل برود، ولی این نیرو بازایستاد و خداوند پیروز را نصیبش کرد. خود من در عملیات کربلای‌یک (بازپس‌گیری مهران) که قرارگاه نجف مسئولیت آن را داشت، حضور داشتم. نیرو نداشتم. با کمک فرمانده کل سپاه بعد هم آقای شمشانی و آقای صفوی به‌سختی ۳۲۲گردان فراهم کردیم. این در حالی بود که برآورد ما ۷۲گردان بود. باوجود این، عملیات البته با طراحی جدید، تفکر و تلاش و واقعا تدبیر انجام شد. با همان ۳۳گردان نهنتمه مهران بلکه از نفاعات قلاویزان و درواقع کل منطقه تا مرز آزاد شد. حتی بر شهرهای بدره و زرپالیه عراق هم تسلط پیدا کردیم؛ ۲برابر سرزمینی را که قصد داشتیم تصرف کنیم تصرف کردیم. همه اینها را فقط با عنایت الهی می‌توان توضیح داد.»